

تعدد معنوی جرم در قانون جزای

ایران و افغانستان

سید احمد امینی^۱

چکیده

در قانون جزای ایران و افغانستان تعدد معنوی جرم از وجوه افتراق و اشتراک برخوردار است. مشاهده می‌شود که در برخی موارد تعدد واقعی جرم با تعدد معنوی جرم خلط شده لذا تشخیص ضابطه مجازات اشد از غیر اشد و نیز تشخیص برخی فروض تعدد معنوی مثل تعدد عناوین با تعدد نتیجه دشوار است. موارد فوق ضرورت نگارش مقاله مورد نظر را بوجود آورد. شرایط، مصادیق فرضی، مجازات و وجوه افتراق و اشتراک تعدد معنوی جرم در قانون جزای ایران و افغانستان از مهم‌ترین مباحثی است که در مقاله مورد تبیین قرار می‌گیرند. تعدد معنوی از عوامل تشدید مجازات‌ها است. فعل واحد متضمن عناوین متعدد به معنی تعدد واقعی و مستقل نیست بلکه عناوین متعدد اعتباری و فرضی است. رکن قانونی تعدد اعتباری یا معنوی در قانون جزای ایران ماده ۱۳۱ مصوب (۱۳۹۲) است اما در حقوق جزای افغانستان مواد ۱۵۵ و ۱۵۶ قانون جزای مصوب (۱۳۵۵) است و این بدین معنی است که مقنن جزایی هر دو کشور، نظام تعدد معنوی در جرائم تعزیری را پذیرفته است.

کلید واژه‌ها: تعدد معنوی، تعدد اعتباری، مجازات اشد، رفتار واحد.

۱. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه نمایندگی خراسان

مقدمه

تعدد جرم از کیفیات مشدده و تشدید مجازات در قانون جزای عمومی است. تعدد جرم بر دو قسم است، تعدد مادی یا واقعی و تعدد معنوی یا اعتباری. تشخیص این دو گاهی مشکل است کما اینکه تشخیص برخی مصادیق معنوی با یگدیگر دشوار است مثل تعدد نتیجه که برخی آنرا از مصادیق تعدد مادی دانسته و برخی آن را از مصادیق تعدد معنوی دانسته‌اند. مجازات تعدد جرم تشدید ولی مجازات تعدد معنوی اشد است. ملاک تشخیص اشد در برخی موارد دشوار است که باید راه حل ارائه کرد. مواد تعدد جرم اعتباری در قانون جزای ایران ماده ۱۳۱ ق. م. ا. و در حقوق جزای افغانستان مواد ۱۵۵، ۱۵۶ می‌باشد.

۱. تعریف و رکن قانونی تعدد اعتباری

یکی از کیفیات مشدده مجازات، تعدد جرم است. تعدد جرم به دو نوع واقعی (مادی) و اعتباری (معنوی) تقسیم می‌شود. تعدد واقعی جرم عبارت است از: «ارتکاب جرائم متعدّد بدون آنکه متهم برای اتهامات متعدّد پیشین خود به محکومیت کیفری قطعی رسیده باشد، خواه جرائم متعدّد در فواصل کوتاهی ارتکاب یافته باشند، چندان که زمان برای تعقیب و محکومیت متهم کافی نبوده، خواه متهم متواری بوده و یا جرائم او به دلایل گوناگون کشف نشده باشند» (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۷۴/۳).

اما تعریف تعدد اعتباری عبارت است از رفتار واحدی که ناقض چند ماده قانونی باشد (گرایلی، ۱۴۰۰، ۲۴) یا اینکه شامل چند وصف جزایی بر فعل و ترک فعل است یعنی با رفتار واحد عناوین متعدد مجرمانه را که ناقض مواد مختلف قانونی است مرتکب شده است به عبارت بهتر انجام فعل واحد که همان فعل واحد در مواد متعدد قانونی جرم تلقی شده مثل مزاحمت تلفنی توأم با توهین که هر کدام جداگانه در قانون جزا، جرم‌انگاری شده است یا اینکه عمداً از سند مجعول جهت بردن مال دیگری استفاده می‌کند با همین یک عمل مشمول دو ماده و دو عنوان است. ۱. استفاده از سند مجعول. ۲. کلاهبرداری. مهمترین تفاوت تعدد مادی با

تعدد معنوی این است که در اولی با رفتارهای متعدد عناوین متعدد مجرمانه را مرتکب شده ولی در دومی بزهکار با رفتار واحد چند عنوان مجرمانه را که ناقض چند ماده قانونی است مرتکب شده است.

۱-۲ رکن قانونی

۱-۱-۲. ایران

ماده ۱۳۱- در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود.

۲-۲-۲. افغانستان

ماده ۱۵۵- هرگاه از ارتکاب فعل واحد جرائم متعدد به وجود آید مرتکب به جزای جرمی محکوم می‌گردد که جزای آن شدیدتر باشد. در صورتی که جزاهای پیش بینی شده مماثل هم باشند به یکی از آن حکم می‌شود.

ماده ۱۵۶- هرگاه ارتکاب جرائم متعدد در نتیجه افعال متعدد صورت گرفته باشد و این جرائم با یکدیگر طوری مرتبط باشند که تجزیه را قبول نکند و تأمین هدف واحد جرائم مذکور را با هم جمع کرده باشد، محکمه به جزای پیش‌بینی شده هر یک از جرائم حکم نموده و تنها به تنفیذ جزای شدیدترین تصریح می‌دارد. این امر مانع تنفیذ جزاهای تبعی، تکمیلی و تدابیر امنیتی که به حکم قانون تعیین گردیده و یا از رهگذر جرائم دیگر محکوم‌بها واقع شده باشد نمی‌گردد.

۲. سابقه تاریخی

۱-۲. ایران

ماده مذکور تا پیش از انقلاب در کلیه جرائم تعدد معنوی چه تعزیری و چه غیر تعزیری، اعمال می‌شد. اولین بار تعدد معنوی جرم در ماده ۳۱ قانون جزای عمومی

(۱۳۰۴) گنجانده شد: «هرگاه فعل واحدی دارای عناوین متعدّد جرم باشد مجازات جرمی داده می‌شود که جزای آن اشد است». باوجود تغییرات در قانون جزای عمومی، اما بعد از انقلاب با قید (تعزیری) اصلاح شد. (در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدّد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود) ولی در تعدد معنوی حدود و دیات و قصاص قائل به جمع مجازات‌ها شده است.

۲-۲. افغانستان

افغانستان در سال (۱۳۵۵ش)، صاحب اولین قانون جزای عرفی مدرن شد، که در ۵۲۳ ماده، جرم‌انگاری شد. قبل از تصویب این جرائم بر مبنای قواعد فقه حنفی که در کتب فقها معین شده بود، مجازات می‌شد و مجازات‌ها بر اساس آن، به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم بندی می‌شد.

در قانون جزائی (مجازات) افغانستان در ماده اول مقرر می‌دارد: «این قانون جرائم و جزاهای تعزیری را تنظیم می‌نماید. مرتکب جرائم حدود، قصاص و دیات مطابق حکم فقه حنفی شریعت اسلام مجازات می‌گردد». فصل هفتم قانون مذکور به "تعدد جرم و تأثیر آن در جزا" اختصاص داده شده است.

۳. واقعیت و عدم واقعیت تعدد معنوی جرم

اینکه تعدد معنوی جرم واقعیت دارد یا ندارد مسئله‌ای است که در جواب آن سه نظریه حقوقی بوجود آمده است:

۳-۱. نظام انکار

عده‌ای از حقوقدانان از جمله فن لیست آلمانی معتقد است که امکان ندارد رفتار واحد منطبق بر نقض چند ماده قانونی باشد (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۱۶/۲). بلکه بین کلیه مواد قانونی، یکی از آنها بیش از سایرین با رفتار ارتكابی منطبق است لذا باید همان ماده اقرب را جستجو نمود زیرا در این موارد ما با تعارض مواجه هستیم،

جهت رفع تعارض قانون خاص بر قانون عام مقدم بوده و قانون مقید بر مطلق و قانون جدید بر قانون قدیم و قانون اشد بر قانون اخف مقدم بوده است (گرایلی، ۱۴۰۰: ۲۷).

۳-۲. نظام تساوی

در این نظریه، تفاوتی بین تعدّد معنوی با تعدّد واقعی وجود ندارد، بلکه آنها مشابه و یکسان هستند. بنابراین، هرگاه رفتار کسی دارای عناوین متعدّد جرم باشد باید همانند کسی که مرتکب جرائم متعدّد شده است با او برخورد شود و قائل به شدت مجازات بود، زیرا مصلحت‌های قانونی متعدّدی نقض شده‌اند (علی‌آبادی، ۱۳۸۵: ۲۵۷/۲). شخصی که با جعل سند مال دیگری را می‌برد آگاه است که رفتار وی از یک سو موجب تعدّدی به اموال مردم است و از سوی دیگری موجب سلب اعتماد عمومی نسبت به اسناد است. پس مرتکب باید دو مجازات را تحمّل کند (عبدالمنعم، ۲۰۰۲: ۸۰۷). نظام سابق آلمان بر این تعلق گرفته بود و رویه قضایی معاصر فرانسه نیز از این نظریه تبعیت کرده است. این نظام با عدالت و انصاف منطبق نیست زیرا اگر بتوان پذیرفت که ارتکاب چند جرم بر شدت مجازات ضرورت می‌بخشد، نمی‌توان همین استدلال را در مورد رفتار واحد که دارای چند صفت است پذیرفت، چون تعدّد معنوی اغلب ناشی از نحوه تنظیم قانون است و همیشه بیانگر شدت مخالفت با اخلاق و یا خطرناکی آن برای جامعه نیست (علی‌آبادی، ۱۳۸۵: ۲۶۹).

۳-۳. پذیرش تعدد معنوی

این نظام بین تعدّد واقعی و اعتباری تفاوت قائل شده است. بر اساس این نظریه، تعدّد عناوین مجرمانه که از اجتماع چند ماده قانونی حاصل می‌شود قابل انطباق بر رفتار ارتكابی متهم است. در این نظریه، تعیین «یک مجازات» برای متهم پذیرفته شده است که این مجازات عنوان مجرمانه‌ای است که شدیدتر از عنوان دیگر است. مقنن مصر در ماده ۳۲ قانون مجازات مصر مقرر داشته «هرگاه فعل واحد دارای عناوین مجرمانه متعدّد باشد، جرمی منظور قرار می‌گردد که

مجازات آن اشد است و بدون توجه به سایر جرائم، حکم به مجازات اشد داده می‌شود» (حجاریان، ۱۳۹۰: ۳۰). نظام جدید آلمان نیز معتقد به همین نظریه است. نظام ایران نیز از این نظریه پیروی کرده (اردبیلی، ۱۳۹۰: ۳۰/۳). برخی می‌گویند: ایران منکر تعدد معنوی جرم است زیرا در ماده ۱۳۱ فعلی، مجازات اشد را بر اخف رجحان داده است (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۱۶/۲). یعنی دادرسی عنوان اشد را انتخاب می‌کند و رفتار مرتکب را با این عنوان منطبق می‌کند. به نظر می‌رسد در حقوق کیفری ایران تعدد معنوی پذیرفته شده است زیرا در ماده ۱۳۱ ق م ا تعبیر به " رفتار واحد با عناوین متعدد" دارد. در حقوق کیفری افغانستان نیز در مواد ۱۵۵ و ۱۵۶ قانون جزا، تعدد معنوی پذیرفته شده است (صادقی، ۱۳۹۱: <http://criminal-science.blogfa.com/post/۳>).

۴. مصادیق فرضی

۴-۱. فعل واحد با عناوین متعدد مجرمانه

در این جرائم فعل واحد است ولی داری عناوین متعدد است که ناقص چند ماده قانونی است، مانند: مزاحمت تلفنی توأم با توهین یا خیانت در امانت با انتقال مال غیر که مجازات خیانت در امانت مطابق ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات و انتقال مال غیر مطابق موضوع ماد ۱ قانون مصوب ۱۳۰۷ است (حیدری، ۱۳۹۴: تعدد جرم). مزاحمت تلفنی مطابق ماده ۶۴۱ مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد و مجازات توهین ساده مطابق ماده ۶۰۸ توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.

۴-۲. جرائم متعدد با عنوان جزایی خاص

چند عمل مجرمانه ارتكابی، عنوان جزائی خاصی دارد. به‌عنوان مثال شخصی که بدون اجازه صاحب منزل وارد خانه او می‌شود (ورود به عتف به منزل غیر) و سپس با آزار و اذیت صاحب‌خانه (ایراد ضرب و جرح عمدی)، اموال او را می‌رباید

(سرقت) که از این افعال عنوان خاص به نام سرقت مقرون به آزار متولد می‌شود، مطابق ماده ۶۵۲ ق م ا به حداکثر مجازات مقرر قانونی (۱۰ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق) سوای مجازات جرح محکوم خواهد شد. در واقع، در تعدّد معنوی، تعدّد جرم وجود ندارد، بلکه جرم واحد است که باید وصف صحیح آن پیدا شود که با مرجع دانستن وصف شدیدتر حل می‌شود و فقط یک محکومیت باید صادر شود.

۳-۴. فعل واحد با نتایج مجرمانه متعدد

«مقصود از تعدّد نتیجه آن است که بزهکار مرتکب یک عمل مجرمانه می‌گردد، اما از رفتار او چند نتیجه مجرمانه حاصل می‌شود» (نوربها، ۱۳۸۴: ۴۳۳). به عبارت دیگر در تعدّد نتیجه رفتار ارتكابی مرتکب واحد است، اما نتایج حاصله از این رفتار، متولد می‌شود. مثلاً با پرتاب نارنجک موجب مجروح شدن چند نفر شود یا با یک گلوله موجب قتل چند نفر شود یا با شلیک یک گلوله چند نفر را زخمی نماید (گرایلی، ۱۴۰۰: ۲۲). یا اینکه کسی با یک عبارت به دو نفر فحاشی کند یا کسی عمداً محل مسکونی متعلق به دیگری را آتش بزند و آتش به خطوط نیروی برق سرایت کند و بر اثر سرایت آتش اشیای متعلق به صاحب‌خانه و اسناد و مدارکش بسوزد. بنابراین، فعل مرتکب یکی است آیا رفتار مرتکب مشمول قاعده تعدّد اعتباری است یا مشمول تعدّد واقعی؟ مقنن نوع دوم را پذیرفته است (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۱۸۹/۳). تفاوت تعدّد نتیجه با تعدّد عناوین مجرمانه در رکن روانی است؛ با این توضیح که در تعدّد نتیجه در برخی موارد پیامدهای مجرمانه نتیجه قهری رفتار مجرمانه واحد است و تنها آن رفتار اولیّه است که با اراده مستقیم فاعل صورت می‌گیرد، ولی در تعدّد عناوین در بسیاری از مصادیق آن از جمله در جرائم مقدّماتی، مثل خرید مشروبات الکلی برای شرب و جرائم لازم و ملزوم، مثل سرقت و فروش اموال مسروقه و مجموع جرائم ارتكابی با عنوان خاص، مثل سرقت همراه با آزار و اذیت، هر دو فعل با اراده مستقیم مرتکب صورت می‌گیرد. همچنین، در قصد نتیجه مجرمانه در تعدّد نتیجه، مرتکب قصد نتایج متعدّد را دارد، ولی در تعدّد عناوین تنها نتیجه واحدی مقصود مرتکب است. در تعدّد عناوین رابطه علیّت بین رفتار واحد و عناوین متعدّد وجود ندارد، ولی در تعدّد نتیجه چنین

رابطه‌ای وجود دارد (قیاسی، ۱۳۸۸: ۱۳۳). در تعدّد عناوین رفتار مجرمانه واحد دارای یک نتیجه مجرمانه است؛ در این فرض مرتکب به مجازات عنوان شدیدتر محکوم می‌شود. «در واقع آنچه فارق بین تعدد عنوانی و تعدد نتیجه می‌باشد، همین حصول نتایج متعدّد از فعل واحد است» (طاهری، ۱۳۸۱: ۱۳۷). در تعدد نتیجه، الزاماً چند ماده قانونی نقض نمی‌شود و ممکن است ناقض یک ماده از قانون مجازات باشد. در مقابل، در تعدد معنوی الزاماً چند ماده قانونی نقض می‌شود. در تعدّد نتیجه، هر نتیجه مستقل از سایر نتایج است بنابراین، انتفای یک نتیجه موجب از بین رفتن جرم نمی‌شود. اما در تعدّد، در صورت انتفای یک عنوان مجرمانه، کل جرم از بین می‌رود؛ مانند اینکه رفتار واحدی واجد عناوین مجرمانه خیانت در امانت و فروش مال غیر باشد. در صورت انتفای «منتقل نمودن مال غیر» انتقال مال امانی که عنصر خیانت در امانت است نیز از بین می‌رود (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۷: ش ۲۵).

۵. نظر نهایی در مصادیق تعدد اعتباری

۵-۱. در نظام فعلی ایران

در قانون جزای ایران تعدد اعتباری دارای دو مصداق می‌باشد: الف) عدد عنوانی جرم ماده ۱۳۱، ب) مجموع جرائم دارای عنوان خاص باشند (گرایلی، ۱۴۰۰: ص ۲۷). به نظر می‌رسد مقنن ایران از میان مصادیق فرضی فقط فرض اولی (فعل واحد با عناوین متعدد مجرمانه) را از مصادیق تعدد اعتباری دانسته و در مجموع جرائم با عنوان خاص مقررات تعدد جرم، اعمال نمی‌شود زیرا مطابق تبصره ۲ از ماده ۱۳۴ ق م ا، مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود (قانون کاهش حبس تعزیری، ۱۳۹۹). یعنی مجازات جرم واحد. درباره تعدد نتیجه پیش از تصویب ق م ا سال (۱۳۹۲)، از حیث اینکه از مصادیق تعدّد مادی یا معنوی محسوب می‌شود، بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود داشت و رویه قضایی آن را از مصادیق تعدد معنوی می‌دانست و دادگاه‌ها نیز بر این اساس عمل می‌کردند. پس از انقلاب اسلامی با ورود عناوین جرائم جدید برگرفته از مبانی فقهی، تغییراتی در برداشت از

تعدد نتیجه صورت گرفت و در نهایت قانونگذار در سال (۱۳۹۲) با تصویب تبصره ۱ ماده ۱۳۴ ق م ا، با طرح یک سیاست جنایی تقنینی جدید، هر چند به صورت مبهم، اقدام به تفکیک آن از تعدد معنوی نمود و آن را در حکم تعدد مادی قرار داد. بنابراین، کلیه آثار و احکام تعدد مادی بر تعدد نتیجه بار می‌شود. در تمام جرائم اعم از حد، قصاص، دیه و تعزیر (جودکی، ۱۳۹۴: ش ۷۰). به عنوان تعدد مادی جرم محسوب شده است (فروغی؛ رحیمیان، ۱۳۹۴: ش ۴) به نظر نگارنده در قانون جزای ایران تعدد معنوی یا اعتباری فقط یک مصداق دارد که رفتار واحد واجد عناوین مجرمانه است.

۵-۲. در قانون جزای افغانستان

در ماده ۱۵۵ قانون جزای افغانستان تعدد اعتباری جرم دومصداق دارد:

۵-۲-۱. فعل واحد دارای جرائم متعدد

۵-۲-۱-۱. عناوین متعدد

شایع‌ترین فرض که همان رفتار واحد با عناوین متعدد مجرمانه است مانند: اینکه فردی امضای یکی از مقامات رسمی را تزویر نماید است، از یک سو این عمل به‌عنوان تزویر امضای مقام رسمی دولت مطرح است و از سوی دیگر عمل وی یکی از مصادیق دخالت در وظایف رسمی دولتی بدون داشتن سمت قانونی محسوب می‌گردد (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۹۰).

۵-۲-۱-۲. نتایج متعدد

مطابق ماده ۱۵۶ از افعال متعدد نتایج متعدد متولد می‌شود، به‌طور مثال چنانچه شخصی ضمن تزویر امضای یک مقام رسمی دولتی، خود را به‌عنوان مقام رسمی دولت معرفی نموده و در نتیجه امضای اوراق متعدد، مبلغی را نیز بدست آورده باشد و یا فردی بر اثر سرعت زیاد حادثه‌ای خلق کند که در آن حادثه فرد

مقابل زخمی و همزمان مغازه دیگری نیز تخریب گردد در این مورد با یک عمل (سرعت زیاد) و دو نتیجه متعدد (زخمی شدن فردی و تخریب مغازه) روبرو هستیم. در این فرض هم که از مصادیق تعدد معنوی می‌باشد، مرتکب به جزای جرمی محکوم می‌گردد که جزای آن شدیدتر باشد همچنین به حکم همین ماده قانونی، چنانچه جزاهای پیش‌بینی شده مماثل هم باشند، به یکی از آن حکم می‌شود.

۵-۲-۲. افعال متعدد با نتایج متعدد مرتبط

ماده ۱۵۶ قانون جزای افغانستان، فرض دوم تعدد معنوی را چنین مطرح می‌نماید: «هر گاه ارتکاب جرائم متعدد در نتیجه افعال متعدد صورت گرفته باشد و این جرائم با یکدیگر طوری مرتبط باشند که تجزیه را قبول نکند و تأمین هدف واحد جرائم مذکور را با هم جمع کرده باشد، یعنی جرمی مقدمه ضروری جرم دیگر باشد به عبارت دیگر ممکن است عمل جزائی مقدمه و یا از لوازم ارتکاب جرمی دیگر باشد». به طور مثال چنانچه شخصی ضمن تزویر امضای یک مقام رسمی دولتی، خود را به عنوان مقام رسمی دولت معرفی نموده و در نتیجه امضای اوراقی، مبلغی را نیز بدست آورده باشد، در این مثال مرتکب از یک سو اقدام به انتحال مقام رسمی دولتی نموده است و از سوی دیگر دست به تزویر امضای مقام رسمی دولتی زده است.

۶. شرایط

۶-۱. حکم ماده ۱۳۱ خاص جرائم تعزیری

حکم تعدد معنوی یا اعتباری در ماده ۱۳۱ فقط شامل جرائم تعزیری است اگرچه خود تعدد معنوی شامل همه جرائم اعم از تعزیری و غیر تعزیری می‌شود.

۶-۲. رفتار واحد

انجام رفتار واحد شرط تحقق تعدد معنوی است. بنابراین، ارتکاب بیش از رفتار موضوع را از شمول تعدد معنوی خارج می‌کند. البته گاهی تشخیص رفتار واحد مشکل است مثل خرید مواد مخدر با نگهداری آن که هر دو در قانون جرم است. آیا واقعا با یک رفتار خرید دو فعل را مرتکب شده؟ خرید جز در موارد اندک توأم با حمل و نگهداری است و دو فعل محسوب نمی‌شود (سلیمی، ۱۳۸۹: ۴۲). لذا برای مرتکب فقط یک مجازات تعیین می‌شود. از مصادیق رفتار واحد، وحدت وسیله ارتکاب است. مثلا به وسیله اجاره و تهیه مسکن قوادی و قمارخانه دایر می‌کند یا شیره‌کشی کند. اگر کسی خانه‌ای را تشکیل دهد و اداره کند که هم محلّ فحشاء و هم محلّ شیره‌کشی باشد، چون تشکیل خانه یک عمل است که مشمول دو ماده از مواد کیفری است، فقط باید از جهت جرم اشد تعقیب و مجازات شود و دو عمل محسوب نمی‌شود تا به دو کیفر با رعایت تعدد محکوم گردد (متین، ۱۳۸۲: ۹۵).

۶-۳. رفتار واحد شامل فعل و ترک فعل

مثال «هر نظامی که پس از انتقال به یگان جدید در معرفی خود به آن یگان بیش از مهلتی که به او داده شده است بدون عذر موجه تأخیر کند و این اقدام منجر به فرار از خدمت نیز شود، موضوع از مصادیق فعل واحد دارای عناوین متعدّد کیفری است و برابر مقررات ماده ۴۶ ق م ا مجازات اشد نسبت به مرتکب اعمال می‌شود» (سازمان قضایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸: ۱۷۵).

۶-۴. انواع تعدد مادی در جرائم عمد و غیر عمد

الف) گاهی عناوین مجرمانه متعدّد همگی در زمان ارتکاب موجود هستند. در جرائم غیرعمدی در مقام عمل مثالی ارائه نشده ولی بعضی از اساتید حقوق مثالی را ذکر کرده‌اند مانند اینکه: فردی قصد تخریب دیوار با سوء نیت که موجب جرح غیرعمدی شود (گرایلی، ۱۴۰۰: ۲۴-۲۵).

بنابراین، اگر رفتار فردی در زمان ارتکاب دارای یک عنوان مجرمانه باشد، اما به جرم او به دلایلی رسیدگی نشود و پس از چندی قانونگذار جرمی دیگر را که بر رفتار مجرمانه سابق تطبیق داشته باشد وضع کند، موضوع از شمول تعدد معنوی خارج است.

ب) گاهی تعدد معنوی ناشی از تعدد موضوع است. مثل اینکه حشیش و تریاک را در یک معامله می‌فروشد یا اسلحه گرم و سرد را در یک معامله می‌فروشد.

ج) گاهی عناوین از اجزای همدیگر نیستند. یک جرم مقدمه جرم دیگر است یا از لوازم آن است مثل ورود به منزل جهت سرقت یا خرید و حمل مواد مخدر جهت استعمال آن یا نگهداری مواد مخدر جهت استعمال آن یا مثلاً قانونگذار یکی از طرق ارتکاب جرم خیانت در امانت را «تخریب مال امانی» دانسته است. قانونگذار زمانی که جرم خیانت در امانت را از طریق تخریب مال امانی محقق دانسته است، به وجود جرم تخریب آگاهی داشته است، اما هدفش این بوده است که «امینی که مال امانی را تلف می‌نماید مشمول عنوان و مجازات خیانت در امانت باشد نه تخریب» (خاور، ۱۳۴۲: ۶۵). در غیر این صورت اگر عمل امین مشمول عنوان و مجازات جرم تخریب باشد، دیگر وضع جرم خیانت در امانت از طریق تخریب مال امانی کاری عبث خواهد بود.

د) گاهی ناقض بیش از یک ماده است. بنابراین ترک انفاق زن و فرزند تعدد معنوی نیست زیرا ترک انفاق زن و فرزند در یک ماده جرم شمرده شده و تعدد عناوین نیست بلکه تعدد نتایج است.

۷. تعدد اعتباری در فقه امامیه

در فقه امامیه کتاب یا عنوانی به نام تعدد معنوی یا اعتباری در تعزیرات نداریم (ساداتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴). اگرچه بعضی از اساتید عناوین شبیه به تعدد معنوی در علم اصول را ذکر کرده‌اند. به عنوان مثال به نوعی در بحث اجتماع امر و نهی یا تراحم صلاۀ در دار غصبی یا وضوی واجب با آب غصبی در این موارد

از جهت وجودی، فعل واحد است ولی از جهت عناوین متعدد و اکثراً قائل به اجتماع امر ونهی شده‌اند (گرایلی، ۱۴۰۰: ۲۸). یعنی کاری که این شخص انجام داده است، اگر از جهت وجودی نگریسته شود یک چیز است، ولی اگر از ناحیه عنوان و وصف ملاحظه شود دو عنوان دارد، چرا که به این رفتار در حالی که وضو اطلاق می‌شود، غضب و تصرف بدون اجازه در مال دیگران نیز گفته می‌شود. در این مسئله اصولیون دو نظر دارند که اکثراً معتقداند: رفتار چون از لحاظ وصف و عنوان متعدّد است، حکم دو رفتار را دارد. البته در کلام فقها نمونه‌هایی ذکر شده که بی-شبهت به تعدد معنوی نیست. مثل نسبت دادن زنا به غیر مخاطب مثل اینکه بگوید فرزند زن زناکار که به خاطر فرد غیر مخاطب حد قذف و به خاطر فرد مخاطب تعزیر می‌شود (عاملی، ۱۳۸۴: ۱۳/۱۲۶). یا زنا در زمان و مکان متبرک: مثل کسی که در شب یا روز ماه رمضان یا در زمان‌های شریف مانند روز جمعه زنا کند.

ولی حق این است که این موارد از مصادیق تعدد معنوی نیست بلکه از مصادیق تعدد نتیجه است که از تعدد مادی حساب می‌شود.

۸. مجازات تعدد اعتباری یا معنوی

۸-۱. ایران

۸-۱-۱. تعزیرات

به موجب ماده ۱۳۱ ق م ا، مرتکب جرم تعدد معنوی در جرائم تعزیری به یک مجازات محکوم می‌شود که مجازات اشد باشد. تشخیص ضابطه اشد از غیر اشد چیست؟ در نظام‌های کیفری که جرائم بر حسب شدت و ضعف مجازات‌ها طبقه-بندی شده، تشخیص مجازات اشد از اخف مثل قانون جزای افغانستان و حقوق جزای قدیم ایران سهل است (جنایات، جنحه و خلاف) ولی در ق م ا فعلی، این طبقه بندی به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴-

تغزیرات و مجازات‌های بازدارنده. پس چگونه می‌توان در این تقسیم‌بندی جدید مجازات اشد را تشخیص داد چون این مجازات‌ها در عرض یکدیگر هستند؟

۸-۱-۱-۱. ملاک تشخیص مجازات اشد

الف) از حیث درجه مجازات

ماده ۱۹ ق م ا، مصوب (۱۳۹۲) با طبقه‌بندی مجازات‌های تعزیری (مصادره کل اموال، حبس، جزای نقدی، انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی، محرومیت از حقوق اجتماعی، شلاق، انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها) از حیث شدت و خفت به هشت درجه این مشکل را بر طرف نموده است. لذا فقط مجازات تعزیری را درجه بندی کرده و در خصوص ارتباط حدود، قصاص و دیات با تغزیرات نصی وجود ندارد. مجازات درجه یک شدیدترین مجازات و مجازات درجه هشت خفیف‌ترین مجازات است. بنابراین، هر درجه نسبت به درجه پایین‌تر اشد محسوب می‌شود. برای مثال، طبق ماده ۱۹ مجازات تعزیری درجه یک شامل حبس بیش از بیست و پنج سال، جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال، مصادره کل اموال و انحلال شخص حقوقی است و مجازات تعزیری درجه دو شامل حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال و جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون ریال تا یک میلیارد ریال است. با توجه به این تقسیم‌بندی، جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال (برای مثال صد و پنج میلیون تومان) اشد از بیست سال حبس است، زیرا جزای نقدی مذکور تعزیر درجه یک است، ولی بیست سال حبس تعزیر درجه دو است. بنابراین، در تعدد معنوی جرم، اگر مجازات یک عنوان مجرمانه جزای نقدی به مبلغ یک میلیارد ریال (تعزیر درجه دو) باشد و مجازات عنوان دیگر پانزده سال حبس باشد (تعزیر درجه سه)، جزای نقدی مجازات اشد محسوب می‌شود و باید مورد حکم قرار گیرد. اگر مجازات‌ها از درجات مختلف باشد تشخیص اشد آسان است، آنکه درجه بالاتر است اشد است از دیگری اما گاهی تشخیص اشد مشکل است مانند موردی که هر دو در یک درجه باشد مثل اینکه مجازات یک عمل مجرمانه حبس و جزای نقدی باشد کدام اشد است یا شلاق و جزای نقدی باشد؟

طبق تبصره ۳ ماده ۱۹ ق م ا: «در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است». باتوجه به اینکه مجازات شلاق نسبت به تمامیت جسمانی و جزای نقدی نسبت به مال است و با اتخاذ ملاک از ماده ۲۷ ق م ا (۱۳۹۲) «مجازات شلاق» به‌طور معمول و در صورتی که از نظر میزان با «مجازات جزای نقدی» در یک درجه باشد، اشد از جزای نقدی محسوب می‌گردد (نظریه، ۲۴۶۸ ش، ۱۳۹۲).

ب) از حیث کمیت مجازات

اگر فعل واحد متضمن عناوین مجرمانه، مجازاتش ماهیتاً یکسان و از یک درجه باشد دارای دو حالت است.

۱. مجازات بدون اقل و اکثر باشد

حبس و یک میلیون ریال جزای نقدی اشد از پانصد هزار ریال جزای نقدی است. اگر فعل واحد آنکه مجازاتش بیشتر است اشد از دیگری است برای مثال، ۳ سال حبس اشد از ۲ سال دارای عناوین متعدد مجازاتشان مساوی باشد مثل تخریب مال امانی که دارای دو عنوان مجرمانه خیانت در امانت و تخریب مال دیگر است که مجازات هر دو در دو ماده قانونی شش ماه تا سه سال حبس است تشخیص اشد چگونه است؟ آن جرمی که از جرائم قابل گذشت است اخف و دیگری اشد، جرم تخریب از جرائم قابل گذشت است (ق. م. ا. ۱۳۹۲ م ۱۰۴).

۲. مجازات‌ها دارای اقل و اکثر باشد

در مورد مجازات‌هایی که بین اقل و اکثر در نوسان هستند، اگر حداکثر دو مجازات برابر باشد، مجازات با حداقل بیشتر شدیدتر است، یعنی بین ۶ ماه تا ۲ سال که حداکثر یکی از مجازات‌ها بیشتر و حداقل آن کمتر از مجازات دیگر باشد و هر دو حبس و ۱ تا ۲ سال حبس، مورد اخیر شدیدتر است. اگر حداقل دو مجازات برابر باشد، مجازات با حداکثر بیشتر شدیدتر است. اما اختلاف در جایی

ظاهر می‌شود که هر دو در یک درجه باشند. حقوقدانان در این حالت معتقدند مجازاتی که حداکثر آن بیشتر است اشد محسوب می‌شود و دادگاه باید در مقام اعمال قاعده تعدد جرم، مجازات جرمی را که حداکثر آن بیشتر از دیگری است انتخاب کند (گلدوزیان، ۱۳۸۱: ۹۰). البته برخی معیار دیگری را نیز به نام کیفی جهت تشخیص مجازات اشد ذکر کرده اند. یعنی مقدار صدمه یا خسارتی که به مجرم از اجرای مجازات وارد می‌شود بدین ترتیب: ۱. مجازات‌های سالب حیات؛ ۲. مجازات‌های قطع و قصاص عضو؛ ۳. مجازات‌های محدودکننده آزادی، مانند حبس؛ ۴. شلاق؛ ۵. جزای نقدی (شمس، ۱۳۹۳: ۸۷).

۸-۱-۱-۲. عدم اجرای مجازات اشد و اعمال

مجازات‌های تکمیلی و تبعی

اگر متهم از عنوانی که مجازات آن اشد است برائت حاصل کرد، امکان محاکمه وی بر اساس عنوان اخف وجود دارد، چرا که رهایی از عنوانی که مجازات آن اشد است نافی عنوان اخف نیست. برای مثال، اگر شخصی مال منقول مورد امانت را به فروش رساند، رفتار وی دارای دو عنوان مجرمانه (فروش مال غیر و خیانت در امانت) است. حال اگر متهم به هر دلیلی از عنوانی که مجازات آن اشد است (فروش مال غیر) برائت حاصل کند، دادرسی می‌تواند وی را در مورد عنوان مجرمانه اخف (خیانت در امانت) محاکمه کند. اما در مورد اینکه مجازات اشد تخفیف پیدا کند یا تبدیل شود یا اجرا ناشدنی گردد، باید بر این نظر بود که دیگر رجوع به مجازات اخف امکان‌پذیر نیست، چرا که قانونگذار در بند خ ماده ۱۳۴ ق م ا، فقط در مورد تعدد مادی، تخفیف، تبدیل و عدم اجرای مجازات اشد را مقرر داشته (صادقی، ۱۳۹۸: ش ۲۶). برخی معتقدند: بند خ ماده ۱۳۴ اطلاق دارد و علاوه بر تعدد واقعی شامل تعدد اعتباری نیز می‌شود (گرایلی، ۱۴۰۰: ۴۴).

مجازات‌های تبعی از آثار مترتب بر محکومیت به مجازات اصلی هستند و هیچ‌گاه در حکم دادگاه قید نمی‌شوند. مجازات‌های تبعی به شکل محرومیت از حقوق اجتماعی در جرائم عمدی پس از اجرای حکم نمودار می‌گردند. مجازات

تکمیلی کدام عنوان مجرمانه بر مرتکب بار می‌شود؟ مجازات‌های تکمیلی (تتمیمی) به مجازات‌هایی گفته می‌شود که در تکمیل مجازات اصلی به آن افزوده می‌شوند و افزون بر اینکه باید در دادنامه ذکر شوند، هیچ‌گاه به تنهایی مورد حکم قرار نمی‌گیرند. در واقع، مجازات‌های تکمیلی زمانی اعمال خواهند شد که دادرس تشخیص دهد که مجازات اصلی جهت اصلاح و تنبیه مجرم کافی نیست. ماده ۲۳ ق م ا، در تبیین مجازات تکمیلی مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا تعزیرات درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید».

مجازات تکمیلی از اختیارات قاضی است و می‌تواند آن را در مجازات تعدد عنوانی همراه مجازات اصلی بیاورد (صادقی، ۱۳۹۸: ش ۲۶).

۸-۱-۲. غیر تعزیرات

اینکه فعل واحد دارای عناوین مجرمانه تعزیر و غیر تعزیر باشد مجازاتش چیست؟ در این مورد نص و مواد قانونی صریح وجود ندارد اما با مراجعه به مواد مختلف قانونی حکم آن نیز مشخص است که حکم به جمع مجازات داده می‌شود اینک چند مورد را ذکر می‌کنیم.

۸-۱-۲-۱. قصاص و تعزیر یا دیه

ماده ۵۱۵؛ هر کس به جان رهبر و هر یک از رؤسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید، سوء قصد نماید چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۱۶؛ هر کس به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران سوء قصد نماید به مجازات مذکور در ماده ۵۱۵، محکوم می‌شود مشروط به

اینکه در آن کشور نیز نسبت به ایران معامله متقابل بشود) در غیر این صورت اگر مجازات خفیف‌تر اعمال گردد به همان مجازات محکوم می‌شود.

تبصره - چنانچه سوءقصد منتهی به قتل یا جرح یا ضرب شود علاوه بر مجازات مزبور به قصاص یا دیه مطابق ضوابط و مقررات مربوط محکوم خواهد شد.

۸-۱-۲-۲. جمع حد و تعزیر

ماده ۶۵۰ ق م ا در شهادت دروغ؛ هر کس در دادگاه شهادت دروغ دهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا ۰۰۰ محکوم می‌شود. تبصره این ماده مقرر می‌کند: «مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است.

ماده ۶۳۹ ق م ا در مورد دایر کردن مرکز فحشا: اگر کسی مرکز فساد یا فحشا دایر کند یا مردم را به فساد یا فحشا تشویق کند، به یک تا ده سال حبس محکوم می‌شود و چنانچه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق کند افزون بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌شود.

۸-۲. افغانستان

۸-۲-۱. تعزیرات

براساس ماده ۱۵۵ ق ج افغانستان: هرگاه از ارتکاب فعل واحد، جرائم متعدد به‌وجود آید مرتکب به جزای جرمی محکوم می‌گردد که جزای آن شدیدتر باشد. ملاک تشخیص مجازات اشد در قانون جزای افغانستان سهل و آسان‌تر از ق م ا ایران است؛ زیرا در ق م ا ایران جرائم به چهار دسته تقسیم شده: ۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات و مجازات‌های باز دارنده که تشخیص اشد در جرائم تعزیری مشکل است ولی در قانون جزای افغانستان در ماده ۲۳ مجازات‌های

تجزیری را از شدت به خفت به سه دسته تقسیم کرده: ۱- جنایت ۲- جنحه ۳- قباحت فصل اول: جرائم از حیث شدت و خفت.

ماده ۲۳: جرائم از حیث شدت و خفت به جنایت، جنحه و قباحت تصنیف می- گردد.

ماده ۲۴: جنایت جرمی است که مرتکب آن به اعدام یا حبس دوام و یا حبس طویل محکوم گردد. جنحه جرمی است که مرتکب آن به حبس بیش از سه ماه الی پنج سال یا جزای نقدی بیش از سه هزار افغانی محکوم گردد.

قباحت، جرمی است که مرتکب آن به حبس از (۲۴) ساعت الی سه ماه یا جزای نقدی الی سه هزار افغانی محکوم گردد (ق ج ز ا م ۲۴-۲۶).

مطابق ماده ۹۷ ق ج مذکور جزاهای اصلی عبارت است از: اعدام، حبس دوام، حبس طویل، حبس قصیر، جزای نقدی.

مدت حبس دوام از شانزده تا بیست سال می باشد. مدت حبس طویل از پنج سال کمتر و از پانزده سال بیشتر نمی باشد. مدت حبس متوسط از یکسال کمتر و از پنج سال بیشتر نمی باشد. مدت حبس قصیر از بیست و چهار ساعت کمتر و از یک سال بیشتر نمی باشد (همان، م ۹۹-۱۰۲). جزاهای غیراصلی (تکمیلی - تبعی) در مواد ۱۱۳-۱۱۷ ذکر شده است. در بند ۲ ماده ۱۵۶ همین قانون مقرراست: محکمه به جزای پیش بینی شده هر یک از جرائم حکم نموده و تنها به تنفیذ جزای شدیدترین تصریح می دارد، این امر مانع تنفیذ جزاهای تبعی، تکمیلی و تدابیر امنیتی که به حکم قانون تعیین گردیده و یا از رهگذر جرائم دیگر محکوم بها واقع شده باشد نمی گردد.

۸-۲-۲. غیر تعزیرات

بر اساس ماده یک قانون جزای افغانستان فقط جرائم تعزیری را تنظیم نموده مرتکب حدود، قصاص و دیات مطابق فقه حنفی مجازات می‌شود. نمونه‌هایی برای فعل واحد متضمن عناوین مجرمانه از فقه احناف به‌طور نمونه ذکر می‌شود.

۸-۲-۲-۱. حد و تعزیر

اگر کسی در ماه رمضان روزه‌اش را با شراب باطل کند علاوه بر اجرای حد شرب خمر (۸۰ شلاق)، به‌خاطر هتک حرمت ماه رمضان، ده ضربه شلاق از باب تعزیر بر مفطر جاری می‌شود (سرخسی، بی تا: ۳۳/۲). یا اینکه روزه‌اش را در ماه رمضان با زنا باطل کند علاوه بر اجرای حد زنا، به‌خاطر هتک حرمت رمضان تعزیر نیز می‌شود (همان).

نتیجه‌گیری

تعدد معنوی از عوامل تشدید مجازات‌ها است. فعل واحد متضمن عناوین متعدد به‌معنی تعدد واقعی و مستقل نیست؛ بلکه عناوین متعدد اعتباری و فرضی است. رکن قانونی تعدد اعتباری یا معنوی در قانون جزای ایران ماده ۱۳۱ مصوب (۱۳۹۲) است اما در حقوق جزای افغانستان مواد ۱۵۵ و ۱۵۶ قانون جزای مصوب (۱۳۵۵) است و این بدین معنی است که مقنن جزایی هر دو کشور، نظام تعدد معنوی در جرائم تعزیری را پذیرفته است. تعدد اعتباری در قانون فعلی جزای ایران یک فرض بیشتر ندارد که عبارت است از: فعل واحد توأم با عناوین متعدد اعتباری ولی در قانون جزای افغانستان به‌نظر می‌رسد دو فرض دارد: فعل واحد با عناوین یا نتایج متعدد و افعال متعدد با نتایج متعدد. عنوانی به‌نام تعدد معنوی در فقه نداریم اگر چه مواردی در فقه جعفری و حنفی ذکر شده که بی‌شبهت به تعدد معنوی نیست مثل نسبت دادن زنا به‌غیر مخاطب مثل اینکه بگوید فرزند زن زناکار که به‌خاطر فرد غیرمخاطب حد قذف و به‌خاطر فرد مخاطب تعزیر می‌شود یا مثل کسی که در شب یا روز ماه رمضان یا در زمان‌های شریف مانند روز جمعه زنا کند.

مرتکب تعدد معنوی در جرائم تعزیری در قانون جزای ایران و افغانستان به یک مجازات آن هم شدیدترین مجازات محکوم می‌شود. ملاک تشخیص مجازات اشد از اخف در قانون جزای افغانستان آسان‌تر از قانون جزای ایران است؛ زیرا در قانون جزای افغانستان مقنن جرائم تعزیری را مثل قانون مجازات قدیم ایران به سه طبقه جنایت، جنحه و قباحه تقسیم نموده است. مجازات‌ها در تعدد معنوی در جرائم غیرتعزیری جمع می‌شود. به نظر می‌رسد تعدد معنوی در جرائم تعزیری در بسیاری از موارد (شرایط، مصادیق) در قانون جزای ایران و افغانستان مشترک است. جز اینکه قانون جزای افغانستان فعل واحد با نتایج متعدد را مثل قانون جزای سابق ایران از مصادیق تعدد معنوی محسوب نموده است.

کتابنامه

۱. اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
۲. اعظمی، علی اصغر؛ حیدری، مسعود؛ جعفری، محمد جواد (۱۳۹۷)، «بررسی تعدد نتیجه و مقایسه آن با تعدد جرم» پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۵.
۳. جودکی، بهزاد (۱۳۹۴)، «تعدد نتیجه در جرائم تعزیری براساس قانون مجازات اسلامی»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۰.
۴. حجاریان، محمدحسن (۱۳۹۰)، ترجمه قانون مجازات جمهوری عربی مصر، چاپ اول، انتشارات طرح نوین، تهران.
۵. حیدری، علی مراد (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، سازمان سمت، تهران.
۶. خاور، محمد (۱۳۴۲)، «تعدد جرم»، مجله کانون وکلا، شماره ۸۵.

۷. ساداتی، سید محمدمهدی؛ صادقی، محمد هادی؛ فضل الله فروغی (۱۳۹۶)، «جرم انگاری و کیفرگذاری تعدد حدود در فقه امامیه و قانون مجازات»، فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم، ش ۱۴.
۸. سازمان قضایی نیروهای مسلح، (۱۳۸۸)، نظریات مشورتی کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، چاپ اول، تهران.
۹. شمس الائمة سرخسی، محمدبن احمد، بی تا، المبسوط، دار المعرفة بیروت، لبنان
۱۰. شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ دوم، میزان، تهران.
۱۱. صادقی، احمد رضا (۱۳۹۱)، «تعدد جرم در قانون جزای افغانستان» سایت: <http://criminal-science.blogfa.com/post/۳>
۱۲. صادقی، فرهاد (۱۳۹۸)، «چالش‌های مربوط به تعدد عنوانی جرم در جرائم تعزیری»، حقوق کیفری، دوره ۷، شماره ۲۶.
۱۳. طاهری نسب، یزدالله (۱۳۸۱)، تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا، چاپ اول، دانشور، تهران.
۱۴. عاملی، شهید ثانی (۱۳۸۴)، شرح اللمعه، ترجمه علی شیروانی، چاپ چهارم، انتشارات دارالعلم، قم.
۱۵. عبدالمنعم، سلیمان (۲۰۰۲)، النظرية العامة لقانون العقوبات، منشورات الحلبي الحقوقية، بیروت.

۱۶. علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۸۵)، حقوق جنایی، چاپ دوّم، انتشارات گیتی، تهران.

۱۷. فروغی، فضل الله؛ رحیمیان، رضا (۱۳۹۴)، «رزیابی تعدد مادی جرائم تعزیری در قانون مجازات اسلامی»، مطالعات حقوقی، دوره ۷، شماره ۴.

۱۸. قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۵۵.

۱۹. قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳.

۲۰. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۲۱. قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۸۸)، «بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت

تعدد نتیجه»، فقه و حقوق، شماره ۲۰.

۲۲. گرایلی، محمد باقر، جزوه جزای عمومی دکتری (تعدد جرم)،

دانشگاه بین المللی المصطفی - واحد خراسان.

۲۳. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ

چهارم، میزان، تهران.

۲۴. متین، احمد (۱۳۸۲)، مجموعه رویه قضایی، چاپ دوّم، انتشارات

رهام، تهران.

۲۵. محسنی، مرتضی (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی پدیده جنایی، چاپ

دوّم، انتشارت گنج دانش، تهران.

۲۶. نوربها، رضا (۱۳۸۴)، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ دوازدهم، نشر

داد آفرین، تهران.

